

ادیان و انتظار

در عهد قدیم از کتاب مقدس، می‌خوانیم: از وجود اشرار وظالمان دلتنگ مباش که به زودی ریشه ظالمان بریده خواهد شد، و منتظران عدل الهی زمین را به میراث برند.....



عهد قدیم

در عهد قدیم از کتاب مقدس، می‌خوانیم:

از وجود اشرار وظالمان دلتنگ مباش که به زودی ریشه ظالمان بریده خواهد شد، و منتظران عدل الهی زمین را به میراث برند. و آنان که لعنت شده‌اند، پراکنده شوند، و صالحان از مردم همان کسانی هستند که زمین را به میراث برند و تا فرجام حیات جهان در آن زیست کنند.

همین حقیقتی که در کتاب مقدس آمده، در قرآن کریم نیز تکرار شده است:

(وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ) وبی‌گمان، در زبور، پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.

زرتشتیان

در هزاره گرای زرتشتیان، انتظار ظهور سه منجی از نسل زردشت مطرح است. این اصلاح طلبان، یکی پس از دیگری جهان را پر از داد خواهند کرد. هوشیدر، هزار سال پس از زردشت، هوشیدر ماه دو هزار سال پس از وی و سوشیانس سه هزار سال پس از صاحب اوستا خواهد آمد و با ظهور او جهان پایان خواهد یافت.

جاماسب حکیم در کتاب جاماسب‌نامه، به نقل از زردشت جزئیات ظهور سوشیانس را می‌آورد: «مردی بیرون آید از زمین تازیان، بر آیین جد خویش با سپاه بسیار روی به ایران نهد و آبادانی کند و زمین را پر از داد کند. سوشیانس «نجات دهنده بزرگ» دین را به جهان رواج دهد، فقر و گرسنگی را ریشه کن سازد، ایزدان را از دست اهریمن نجات داده، مردم جهان را هم فکر، هم گفتار و هم کردار گرداند.»

و در یکی دیگر از کتاب‌های مذهبی زرتشتیان این گونه می‌خوانیم: «لشکر اهریمنان با ایزدان دائم در روی خاکدان محاربه و کشمکش دارند و غالباً پیروزی با اهریمنان باشد. آن گاه پیروزی بزرگ از طرف ایزدان می‌شود و اهریمنان را منقرض می‌سازند و بعد از پیروزی ایزدان و برانداختن تبار اهریمنان، عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده، بنی آدم بر تخت نیک بختی خواهد نشست.» همان گونه که پیداست، در آیین زردشت اگر چه سوشیانس را از تبار زردشت می‌دانند، اما در حکایتی غیر متعصبانه منجی را متدین به آیین جد خویش دانسته، سرزمین اعراب را آغاز گاه قیام معرفی می‌کند.

در رویکرد پیروان اوستابه آخرالزمان نیز مانند هندوئیسم یک نگاه حکایت گرایانه به چشم می‌خورد. زرتشتیان ضمن آن که بر نبرد خیر و شر تاکید می‌کنند، اما به روشنی مرز آن‌ها را مشخص نمی‌سازد. از این رو نمی‌توان اندیشه هزاره گرای زرتشتیان را تفکری هم‌اورد طلب و ستیزه جو به شمار آورد.

مارکسیسم

مسئله انتظار از محدوده دین فراتر رفته و مذاهب و رویکردهای غیردینی نظیر مارکسیسم را نیز شامل شده است. چنان که (برتراند راسل) می‌گوید:

«انتظار، تنها به ادیان تعلق ندارد، بلکه مکاتب و مذاهب نیز ظهور نجات‌بخشی که عدل را بگستراند و عدالت را تحقق بخشد، انتظار می‌کشند.»

انتظار نزد مارکسیست‌ها - چنان که راسل می‌گوید - درست همان انتظاری است که مسیحیان بدان اعتقاد دارند.

نیز انتظار نزد (تولستوی) در واقع به همان معنایی است که مسیحیان عقیده دارند، جز آنکه این داستان‌نویس روسی از زاویه‌ای دیگر مسئله انتظار را مطرح کرده است.

مسیحیان و انتظار

اندیشه بازگشت عیسی علیه السلام یکی از باورهای جامعه مسیحیت را تشکیل می‌دهد. این شوق و انتظار در بخش‌های قدیمی‌تر عهد جدید مانند رساله اول و دوم پولس به تسالونیکیان به خوبی منعکس شده است، اما در رساله‌های بعدی مانند رساله‌های پولس به تیموتاؤس و تیتوس، همچنین رساله پطرس، به بعد اجتماعی مسیحیت توجه گشته است. این مساله از آنجا ناشی می‌شد که با گذشت زمان پی بردند که بازگشت مسیح بر خلاف تصور آن‌ها نزدیک نیست، هر چند اقلیتی از آنان بر این عقیده باقی ماندند که عیسی به زودی خواهد آمد و حکومت هزار ساله خود را تشکیل خواهد داد؛ حاکمیتی که به روز دآوری پایان خواهد یافت. از همین رو از دیر باز گروه‌های کوچکی به نام هزاره گرا در مسیحیت پدید آمدند که تمام سعی و تلاش خود را صرف آمادگی برای ظهور دوباره عیسی در آخر الزمان می‌کنند.

البته وجود آیاتی در انجیل این حالت انتظار را تشدید می‌کند و با اشاره به عدم تعیین وقت ظهور، آن را ناگهانی معرفی می‌کند. به عنوان مثال در انجیل متا از زبان عیسی علیه السلام این گونه نقل شده است که: شما نمی‌توانید زمان و موقع آمدن مرا بدانید؛ زیرا این فقط در يد قدرت خداست. هیچ بشری از آن لحظه «زمان ظهور» آگاهی ندارد؛ حتی فرشتگان، تنها خدا آگاه است.»

یا آن که در انجیل لوقا این چنین آمده است: «مسیح می‌گوید: همیشه آماده باشید، زیرا که من زمانی می‌آیم که شما گمان نمی‌برید.» روشن نگه داشتن چراغ انتظار در لابه‌لای انجیل به چشم می‌خورد، مثلاً در انجیل آمده است: «کمرهای خود را بسته و چراغ‌های خود را

افروخته بدارید . باید مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می‌کشند که چه وقت از عروسی مراجعت کند . تا هر وقت آید و در را بکوبد، بی‌درنگ برای او باز کنند . خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید ایشان را بیدار یابد . پس شما نیز مستعد باشید، زیرا در ساعتی که شما گمان نمی‌برید، پسر انسان می‌آید .»

مسیحیت ضمن تاکید بر غیر منتظره بودن بازگشت عیسی، هدف از این بازگشت را ایجاد حکومتی الهی در راستای حکومت الهی آسمان‌ها ارزیابی می‌کند.

علاوه بر این ظهور مسیح را یگانه راه حل برای ادامه حیات و زندگانی بر می‌شمرد. عیسی را منجی انسان‌ها و پادشاه پادشاهان معرفی می‌کند . وی بر اساس سخنان دانیال نبی سیستم اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، تربیتی و مذهبی جهان را عوض خواهد کرد و جهانی بر مبنای راه و روش خدا بنا می‌کند. مسیحیان همچنین برای ظهور حضرت عیسی بن مریم علامات قائل می‌باشند: «عنقریب بعد از آن آزمایش سخت، روزگاران خورشید تیره و نار می‌گردد و ماه نور خود را از دست‌خواهد داد و ستارگان افول خواهند کرد و قدرت‌های آسمانی نیز به لرزه در خواهند آمد و سپس آثار و علائم ظهور آن مرد آسمانی اشکار خواهد شد و سپس تمامی قبائل زمین نگران و غمگین می‌گردند و آنگاه عیسی از ابرهای آسمان با جلال و شکوه و قدرت فرو خواهد آمد .»

در انجیل مرقس نیز ضمن تاکید بر مضامین گذشته، به جمع‌آوری یاران توسط مسیح اشاره شده است: «سپس عیسی با شکوه و جلال و قدرت خواهد آمد و فرشتگان تحت امر خود را به اطراف و اکناف عالم روانه خواهد کرد و منتخبان خود را از چهار گوشه جهان از بالاترین نقطه آسمان تا پایین‌ترین نقطه زمین جمع خواهد کرد .»

روایات اسلامی نیز بر آمدن حضرت مسیح علیه السلام صحنه می‌گذارند . از جمله آن که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «والذی نفسی بیده لبوشکن ان ینزل فیکم ابن مریم حکما عدلا و اماما مقسطا؛ سوگند به آن که جانم به دست او است به طور یقین عیسی بن مریم به عنوان داور عادل و پیشوایی دادگر در میان شما فرود خواهد آمد .»

همچنین مفسران در تفسیر آیه 159 سوره نساء آن را با بازگشت حضرت مسیح در آخر الزمان مرتبط می‌دانند و این آیه را در همین رابطه ارزیابی می‌کنند. به هر حال مساله فرود آمدن مسیح علیه السلام و بازگشت وی در آخر الزمان از نقاط مشترک اندیشه انتظار نزد مسلمانان و مسیحیان است . البته اسلام در این رابطه منجی موعود را مهدی علیه السلام معرفی نموده، او را پیشوای آخر الزمان معرفی می‌کند: «کیف بکم (انتم) اذا نزل عیسی بن مریم فیکم و امامکم منکم؛ چگونه خواهید بود، آنگاه که عیسی بن مریم در میان شما فرود آید و پیشوای شما از خود شما باشد .» یا آنکه در روایتی دیگر از قول امام باقر علیه السلام نقل شده است: «ینزل قبل یوم القیامة الی الدنیا فلا یبقی اهل ملة یهودی و لا نصرانی الا آمن به قبل موته و یصلی خلف المهدی؛ پیش از قیامت، [عیسی] به دنیا فرود می‌آید و هیچ کس از ملت یهود و مسیحی نمی‌ماند مگر آنکه پیش از مرگ به او ایمان آورد و [آن حضرت] پشت سر مهدی علیه السلام نماز می‌گذارد .»

بی‌گمان بر هر پژوهشگر آگاه روشن است که روایات اسلامی و اعتقادات مسیحی در رابطه با ظهور از نزدیکی فراوانی برخوردار می‌باشند . مقایسه خبرهای رسیده از روایات اسلامی در رابطه با پیشرفت غیر قابل تصور علوم در زمان ظهور (33)؛ ایجاد رفاه اجتماعی (34)؛ علائم ظهور (35) و دیگر موارد، با آنچه آمد به روشنی این مدعا را ثابت می‌کند .

این مساله به خودی خود می‌تواند زمینه‌های گفت و گو و هم‌اندیشی بین انتظار اسلامی و مسیحی را فراهم آورد . ناگفته نماند که حتی در برخی از انجیل‌های مورد پذیرش گروهی از پروتستان‌ها، به روشنی از ظهور نجات دهنده‌ای صحبت به میان می‌آید که از فرزندان پیامبر عربی است: «مسیح در وصایای خود به شمعون پطرس می‌فرماید: ای شمعون! خدای من فرمود، تو را وصیت می‌کنم به سید انبیا که بزرگ فرزندان آدم و پیغمبران امی عربی است . او بیاید، ساعتی که فرج قوی گردد و نبوت بسیار شود و مانند سیل جهان را پر کند .»

هندوئیسم و اندیشه انتظار

پیروان هندوئیسم مانند دیگر ادیان در اصل قیام نجات بخش انسان‌ها هیچ تردیدی روا نمی‌دارند و در کتاب‌های گوناگون خود با صراحت از آن سخن به میان می‌آورند .

در کتاب جوک - یکی از کتب هندیان - در رابطه با ویژگی‌های مصلح چنین آمده است: «سر انجام دنیا به کسی برمی‌گردد که خدا را دوست دارد و از بندگان خاص او باشد و نام او فرخنده و خجسته باشد .» و در جای دیگر «شاکمونی» پیامبر هندوها در کتاب خود نسبت منجی را به سید خلائق می‌رساند و ثمره قیام وی را خاطر نشان می‌سازد: «پادشاهی دنیا به فرزند سید خلائق دو جهان کشن بزرگوار تمام شود . او کسی باشد که بر کوه‌های مشرق و مغرب دنیا حکم براند و بر ابرها سوار شود و دین خدا یگ دین شود و دین خدا زنده گردد .» یا آن که هدایت انسان‌ها را از ویژگی حکومت وی دانسته و در کتاب «دداتک» این گونه می‌آورد: «دست‌حق در آید و جانشین آخر ممتا ظهور کند و مشرق و مغرب عالم را بگیرد و همه‌جا خلائق را هدایت کند .»

اما جالب آن‌جا است که هندوئیسم اگر چه به رفق، مدارا، فردگرایی و گریز از اجتماع مشهور است، اما در رابطه با قیام آخر الزمان، از واژه‌هایی همچون شمشیر، هلاکت‌شیران و . . . سود می‌برد .

هندوها رهبر آخر الزمان را با نام کلکی و یکی از جلوه‌های دهگانه خدای حفظ کننده ویشنو (Vishnu) می‌دانند و وی را این گونه ترسیم می‌کنند: «این مظهر ویشنو در انقضای کلی یا عصر آهن سوار بر اسبی سفید، در حالی که شمشیر برهنه درخشانی به صورت ستاره دنباله‌دار در دست دارد، ظاهر می‌شود و شیران را هلاک می‌سازد و خلقت را از نو تجدید و پاکی را رجعت می‌دهد . این مظهر دهم در انتهای عالم ظهور خواهد کرد .»

اما آنچه مهم است آن است که هندوئیسم به همین میزان پیشگویی بسنده کرده، به هیچ عنوان در صدد مغلوب سازی اندیشه‌های رقیب برنیامده، از هندوئیسم یک اندیشه غالب و پیروز نمی‌سازد و آن را به صورت دینی جهان شمول که طاقت بر دوش کشیدن حکومت جهانی را دارد، معرفی نمی‌کند .

یهودیان و انتظار

آن گونه که بررسی‌ها نشان می‌دهد، پیش از اسارت قوم یهود و آوارگی آنان توسط آشوریان، اندیشه ظهور منجی در ادبیات مذهبی، غیر

مذهبی، اساطیر و افسانه‌ها و روایات مکتوب و شفاهی بنی اسرائیل جایی نداشته است.

تتها در سده دوم پیش از میلاد بود که ظهور نجات بخش قوم خدا در اذهان و افکار یهود توسعه یافت (9) و دانیال نبی به دنبال رنج‌های پیاپی قوم یهود، پایان زجرها را نوید داد: «و در ایام این پادشاهان، یهوه خدای آسمان‌ها سلطنتی را که تا ابد جاوید می‌ماند، بر پا خواهد نمود و این سلطنت به قومی دیگر غیر از بنی اسرائیل منتقل نخواهد شد، بلکه تمامی آن سلطنت‌ها را خرد کرده، مغلوب خواهد ساخت و خودش برای همیشه پایدار و جاودان خواهد ماند.»

اشعیای پیامبر نیز در پیشگویی‌های خود مژده آمدن مسیح را داد و گفت: «برای ما ولدی و پسری بخشیده می‌شود که سلطنت بر دوش او خواهد بود و اسم او عجیب و مشیر و خدای قادر و پدر سرمدی و سرور و سلامتی خوانده خواهد شد. ترقی سلطنت و سلامتی او را بر کرسی داوود و بر کشور وی پایانی نخواهد بود، تا آن که انصاف و عدالت را برای همیشه استوار سازد.»

البته شایان توجه است که قوم یهود به عنوان مردمی دیندار همواره به آینده خویش امیدوار بودند و این عبارت کتاب مقدس میان یهودیان رایج بود که: «اگر چه ابتدای صغیر بود، عاقبت تو بسیار رفیع گردد.» با این وجود آنان پس از نخستین ویرانی شهر قدس، همیشه در انتظار رهبر الهی، قدرتمند و پیروزی آفرین بودند تا اقتدار و شکوه «قوم برگزیده» را احیا کند.

یهودیان بر مینای آنچه در زبور داوود آمده بود خود را وارثان به حق خداوند می‌پنداشتند. در زبور آمده است: «زیرا که شریبان منقطع خواهند گشت و متوکلان به خداوند وارث زمین خواهند شد. هان بعد از اندک زمانی شریبان منقطع خواهند بود اما حکیمان (صالحان) وارث زمین خواهند گشت و میراث آن‌ها خواهد بود تا ابد الابد. زیرا متبرکان خداوند وارث زمین خواهند شد و ملعونان وی منقطع خواهند گشت.»

این اندیشه وقتی با پیش‌گویی‌های صریح اشعیای در هم آمیخت، نیرو و امید تازه در رگ‌های یهود جریان یافت. ایشان کلام اشعیای را در حافظه خود به خوبی حفظ کردند و آن را دستمایه عشق به آینده‌ای روشن و افتخارآمیز قرار دادند، آنجا که می‌گوید: «نهالی از تنه، یسی (پدر داوود) بیرون آمده، شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد شکفت و روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت، یعنی روح حکمت و فهم و روح مشورت و روح معرفت و ترس از خداوند، خوشی او در ترس از خدا خواهد بود و موافق رؤیت چشم خود داوری نخواهد کرد و بر وفق سمع گوش‌های خویش تنبیه نخواهد نمود، بلکه مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد نمود. جهان را به

عصای دهان خویش زده، شریبان را به نفخه لب‌های خود خواهد کشت. کمر بند کمرش عدالت خواهد بود و کمر بند میانش امانت. سپس اشعیای به گونه‌ای کنایه‌آمیز به صلح جهانی در آن دوران اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: «گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر و پرواری با هم و طفل کوچک آن‌ها را خواهد راند. . . . طفل شیر خواره بر سوراخ مار بازی خواهد کرد و طفل از شیر باز داشته شده، دست‌خود را بر خانه افعی خواهد گذاشت و در تمامی کوه مقدس من، ضرر و فساد نخواهد کرد، زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد بود، مثل آب‌هایی که دریا را می‌پوشاند.»

اما صفیای پیامبر به نابودی رهبران دولت‌ها اشاره می‌کند و آن را مقدمه جهان شمولی دین یهود می‌داند. او می‌گوید: «به منظور گردآوری طوایف بشر بر یک دین حق، سلاطین دول مختلف را نابود کنیم. آن وقت برگردانیم به قوم‌ها لب پاکیزه را برای خواندن همگی به نام خدای و عبادت کردن ایشان به یک روش.»

انتظار نزد اهل سنت

انتظار مهدی نجات‌بخش (علیه‌السلام) اختصاص به شیعه ندارد، روایات متواتر بسیاری درباره مهدی (عج) از طرق اهل سنت با سند‌های صحیح و مستفیض در دست است که نمی‌توان در آن‌ها تشکیک کرد، چنان که از طرق شیعه امامیه نیز چنین روایاتی رسیده است.

عبدالرحمن ابن خلدون - از دانشمندان قرن نهم هجری - صاحب مقدمه مشهوری که بر کتاب *العیبر* نوشته، می‌گوید:

بدان که مشهور اهل اسلام در طول اعصار بر این عقیده‌اند که به ناچار در آخرالزمان مردی از اهل بیت ظهور خواهد کرد که دین را تأیید کند و عدالت را ظاهر سازد و مسلمانان از وی پیروی کنند.

او بر ممالک اسلامی استیلا خواهد یافت و نام مقدسش مهدی (عج) است. خروج دجال و حوادث دیگر پس از آن، و این که عیسی در پی او خواهد آمد و دجال را خواهد کشت یا با او خواهد آمد و در کشتن دجال یاور وی خواهد بود و در نمازش به مهدی (علیه‌السلام) اقتدا خواهد کرد از نشانه‌های ثابت ظهور است که در منابع روایی صحیح ذکر شده است.

شیخ عبدالمحسن العباد - مدرس دانشگاه اسلامی مدینه منوره - در بحثی ارزشمند می‌گوید:

در پی حادثه دردناک حرم، سؤال‌هایی مطرح شد. برخی دانشمندان در رادیو و روزنامه‌ها درستی بسیاری از سخنان رسیده از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را درباره حضرت مهدی (علیه‌السلام) تأیید کردند مانند شیخ عبدالعزیز بن صالح، امام و خطیب مسجد نبوی شیخ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز - رئیس اداره پژوهش‌های علمی و دعوت و ارشاد - نیز در یکی از روزنامه‌ها حادثه حرم را با استناد به احادیث صحیح مستفیض از رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به اثبات رسانید.

شیخ عبدالمحسن العباد می‌افزاید:

من این رساله را به منظور تبیین سخن خروج مهدی آخرالزمان - که روایات صحیحی بر آن دلالت دارد و دانشمندان اهل سنت از قدیم وجدید، مگر ندرتاً، بر آن بوده‌اند - به رشته تحریر درآورده‌ام.

این حجر هیثمی در «الصواعق المحرقة» در تفسیر سخن خداوند تعالی: «وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا...» می‌نویسد:

«مقاتل و پیروان وی از مفسران، گفته‌اند این آیه درباره حضرت مهدی (علیه‌السلام) نازل شده است، واحادیثی که تصریح به این نکته دارند که وی از اهل بیت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است، خواهد آمد، بنابراین در آن دلالتی است بر برکت در نسل فاطمه و علی - رضی الله عنهما - و این که از آنان فرزندان پاکیزه فراوانی ظهور خواهد کرد و خداوند نسل آنان را مفاتیح حکمت و معادن رحمت قرار داده است.

راز این نکته این است که رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) برای علی و فاطمه و فرزندان دعا کرد تا از شر شیطان رانده شده محفوظ مانند.

شیخ ناصرالدین البانی، از شیوخ معاصر حدیث، در *مجلة التمدن الاسلامی* می‌نویسد:

اماّ مسأله ممدی (علیه السّلام)، باید دانست که درباره خهج (قیام) هی احادیث صحیح فاهانی . نقلاً . شیده است. شبکه جهانی اطلاع رسانی امام المهدي (عج) برگرفته از :